

## بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشردوستانه در اسلام و مسیحیت

دکتر محمدحسن خانی\*

**چکیده:** ادیان الهی به طور عام، اسلام و مسیحیت به طور خاص، نقش بسیار عمده و بسزایی را در روند تکاملی جوامع بشری در طول هزاره‌های گذشته ایفا کرده‌اند. ابعاد و عمق تأثیر تعالیم این دو آیین بزرگ الهی به طور مشخص در طول دو هزاره گذشته مشهود است. در بسیاری از موارد این تأثیرات فراتر از جوانب زندگی شخصی و حتی اجتماعی در درون جوامع رفته و مناسبات میان جوامع و نحوه تعامل میان دولت‌ها در نظام بین‌الملل را نیز در بر گرفته است. مقولاتی چون جنگ و صلح، و عرفها و سنتهای مربوط به آنها که شالوده حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند، در این زمره‌اند.

این مقاله بر آن است تا در یک مطالعه تطبیقی ضمن مقایسه احکام و آرای واردشده در اسلام و مسیحیت، با مقایسه رویکردهای این دو آیین الهی در باره حقوق بشردوستانه به توضیح نقش آنها در تکوین و تکامل حقوق بشردوستانه بپردازد. در این مقاله به طور مشخص به دو مفهوم جنگ عادلانه (*just war*) و صلح خدایی (*truce of god*) در مسیحیت پرداخته می‌شود و دیدگاههای اسلام در مورد این مفاهیم بررسی می‌شود.

**کلیدواژه:** جنگ، صلح، حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل، اسلام، مسیحیت، جنگ عادلانه (مشروع)، صلح خدایی

---

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

## مقدمه

تاریخ بشر از آغاز تاکنون مملو از منازعات، مناقشات، درگیریها و جنگهای بزرگ و کوچک بوده است. جنگها که بخش بزرگ و البته، غم‌انگیزی از تجربه زندگی اجتماعی بشر را روایت می‌کنند، چنان با تار و پود تاریخ جهان عجین شده‌اند که بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران جنگ را جزء جدانشدنی و اجتناب‌ناپذیر روابط میان اقوام و ملل در طول تاریخ دانسته‌اند. ادیان الهی از آنجا که همواره ناظر به زندگی انسان در دو بعد فردی و اجتماعی بوده‌اند، به موازات ارائه نسخه برای ارتقاء و بهبود خصائل فردی آحاد افراد جامعه، تلاش فراوان و سعی بلیغی را صرف این مهم کرده‌اند تا برای زندگی اجتماعی بشر و دفع بلایا، آفات و مصائب کلان، که در سطح و حوزه اجتماعی گریبانگیر آدمیان شده است، نیز به ارائه راهکار بپردازند.

در این راستا، یکی از دغدغه‌های مهم ادیان الهی به ارمغان آوردن عدالت و صلح پایدار میان اقوام و ملل گوناگون بوده است. در این مسیر گرچه ایده ریشه‌کن کردن جنگ یک آرمان دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید، محدود کردن دامنه آن آرزویی دست‌یافتنی می‌نمود. از این رو، تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات به منظور اجتناب از وقوع جنگ در کنار محدود کردن دامنه جنگ و نیز قانونمند کردن آن در صورت وقوع، وجهه همت بسیاری از احکام و تعالیم واردشده در ادیان الهی از جمله مسیحیت و اسلام بوده است.

عنصر مشترک در اسلام و مسیحیت تا آنجا که به ایده جنگ عادلانه مربوط می‌شود، به دست دادن تعریف و شرایط محدود و مشخصی است که در آن شرایط بتوان توسط به جنگ را توجیه کرد و آن را یک پدیده مشروع و قابل دفاع تلقی کرد. در این راستا وضع قوانین و احکامی، که بتوان بر مبنای آنها از جان و مال بی‌گناهان و غیرنظامیان حمایت کرد و دامنه قربانیان آن را چه در سطح نظامیان و چه در سطح غیرنظامیان محدود ساخت، مهم‌ترین هدف ایده جنگ عادلانه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، جنگ عادلانه راهکاری برای جدایی میان استفاده توجیه‌پذیر و استفاده توجیه‌ناپذیر از نیروهای نظامی است. به نظر بسیاری از صاحب‌نظران حقوق

بشردوستانه، فلسفه اصلی طرح جنگ عادلانه تلاشی برای محدود ساختن دامنه توسل به زور، انسانی‌تر نمودن نحوه توسل به زور و سرانجام، سوق دادن آن در جهت ریشه‌کن کردن آن برای برقراری یک صلح و عدالت پایدار است (Falk, 2001).

جنگ عادلانه در سه حوزه و سه ساحت متفاوت مطرح می‌شود: حوزه نخست در پاسخ به این سؤال است که چه زمانی درست، صواب و مشروع است که به جنگ روی آورد و یا به عبارت بهتر، در چه شرایطی می‌توان به اقدام به جنگ توسل جست (jus ad bellum)؛ در مرحله دوم، این سؤال مطرح می‌شود که در هنگام جنگ چه باید و نبایدهایی را باید مد نظر داشت و مراعات کرد؛ به عبارت دیگر، دومین فلسفه ایده جنگ عادلانه، یافتن پاسخی به این سؤال است که در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن توسل به جنگ، و در صورت وقوع آن، چگونه باید جنگید تا اصل جنگ و نحوه چگونه جنگیدن در چارچوب اخلاقیات و ملاحظات انسانی قابل توجیه و دفاع باشد (jus in bello)؛ سرانجام، حوزه سوم از آینده جنگ عادلانه که در دهه‌های اخیر مورد توجه حقوق‌دانان بوده است، تمرکز بیشتری روی چگونگی پایان دادن عادلانه به جنگها و نحوه محاکمه جنایتکاران جنگی است (jus post bellum).

#### ۱. جنگ عادلانه در تعالیم مسیحیت

یکی از مثالهایی که به نظر بسیاری از علمای مسیحیت در زمره مصادیق اشاره به شرایط جنگ عادلانه است، آیه‌ای از انجیل است که به سربازان و جنگجویان هر لشکری این حق را می‌دهد که بتوانند در مورد عادلانه و مشروع بودن یک جنگ قضاوت کنند و بر مبنای این قضاوت تصمیم به حضور یا عدم حضور در آن جنگ بگیرند. فصل پنجم از انجیل هبرو (hebrew bible) نیز آنجا که سرود دبرا (song of deborah) را روایت می‌کند، اشاره مستقیم به جنگ عادلانه می‌کند و به بیان ویژگیهای آن در عنوان «جنگ مقدس» می‌پردازد.

سنت آگوستین (Saint Augustine) در زمره کسانی است که در نوشته‌هایش برای نخستین بار به طور مشخص و با ذکر جزئیات به تبیین ایده جنگ عادلانه در آیین مسیحیت پرداخت. این ایده بعدها توسط مشاهیری چون سیسرو (Cicero)،

توماس آکویوناس (Thomas Aquinas) و هوگو گروسیوس (Hugo Grotius) مورد توجه قرار گرفت و در چارچوب یک عرف بنیادی در حقوق بین‌الملل مطرح شد (Fixdal & Dan, 1998, p. 283)

## ۲. شرایط جنگ عادلانه

### ۱-۲. شرایط شروع

بر اساس احکام و تعالیم واردشده در مسیحیت شرایط زیر در زمره اصلی‌ترین شروط برای عادلانه بودن یک جنگ از حیث شروع به شمار می‌روند:

یک. وجود دلیل و علت عادلانه برای توسل به جنگ (just cause)؛

دو. اقدام به جنگ توسط یک مرجع دولت مشروع و قانونی؛

سه. نیت و قصد صواب مشروع از اقدام به جنگ (right intention)؛

چهار. احتمال موفقیت (probability of success)؛

پنج. هماهنگ بودن و هم وزن بودن و تناسب میزان خسارات و تلفات و صدمات

احتمالی بر اثر وقوع جنگ با دستاوردهای مثبت آن (proportionality)؛

شش. و سرانجام، توسل به جنگ به عنوان آخرین راه حل پیش رو (last resort).

(Viotti and Kauppi, 1987).

### ۲-۲. شرایط جنگیدن و نحوه هدایت آن

بر اساس مبانی جنگ عادلانه، هر گاه و به هر دلیل جنگی آغاز شود، دو طرف یا اطراف درگیر جنگ باید ضوابط و مقررات خاصی را رعایت کنند. اهم این ضوابط از این قرارند:

- تمایز میان نظامیان و غیرنظامیان اولین اصل از مبانی جنگ عادلانه است. بر اساس این اصل عملیات جنگی باید صرفاً متوجه جنگجویان و ستیزه‌جویان باشد و سایر افراد از جمله غیرنظامیان باید از آلام و آسیبهای جنگ در امان بمانند. به زعم بسیاری از متخصصان مباحث حقوق بین‌الملل بر اساس این اصل به کارگیری هر نوع سلاح کشتار دسته‌جمعی در هر جنگ و منازعه‌ای با هر گونه ابعادی در تضاد آشکار و

خلاف اصول اولیه جنگ عادلانه است. به کارگیری سلاح هسته‌ای نمونه بارز و مصداق آشکاری از نقض اصول جنگ عادلانه است<sup>۱</sup> (Siemes, 2006)؛

- دومین اصلی که باید در جریان جنگها رعایت شود، هماهنگ بودن و متناسب بودن ابعاد عملیات جنگی و میزان سلاحهای به کار گرفته شده با میزان فتنه و تهدیدی که برای رفع آن جنگ آغاز شده است؛

- سومین اصل اکتفا کردن به حداقل نیروی لازم برای اداره و به سرانجام رساندن امر جنگ است. این اصل به طور آشکار بر این امر تکیه دارد که میزان تلفات و تخریب ناشی از جنگ باید به حداقل ممکن برسد؛

- اعمال هر گونه شکنجه نظامیان و به طور اولی، غیرنظامیان ممنوع است؛

- تعامل و رفتار اسرای جنگی باید محترمانه و بر اساس اصول انسانی باشد؛

- و سرانجام، اعزام اجباری افراد به جبهه‌های جنگ و وادار ساختن آنان به مشارکت در جنگ نیز خلاف اصول جنگ عادلانه است.

### ۲-۳. شرایط ناظر بر چگونگی پایان جنگ

سومین بخش از نظریه جنگ عادلانه ناظر بر چگونگی خاتمه یافتن جنگ است. به عبارت روشن‌تر سؤال اصلی در این بخش این است که در چه شرایطی در چارچوب نظریه جنگ عادلانه پایان دادن به جنگ توجیه‌پذیر و احیاناً الزامی است؟

نظریه پردازان جنگ عادلانه و از جمله برایان اوراند (Brian Orand) به پنج شرط ذیل در این خصوص اشاره می‌کنند:

یک. نخستین آنها وجود یک علت عادلانه، مشروع و منطقی برای پایان دادن به جنگ است. یکی از مصادیق تحقق این شرط زمانی است که متجاوز حاضر به مذاکره در خصوص چگونگی تسلیم خود باشد. عذرخواهی رسمی، پرداخت غرامت، تن دادن به محاکمه احتمالی از جمله مواردی است که در این مذاکرات می‌تواند مباحثه شود؛  
دو. نیت صالح و قصد درست و صواب دومین شرط در این راستاست؛

سه. اعلان عمومی چگونگی و شرایط پایان جنگ توسط یک مرجع مشروع، و قبول آن توسط مراجع صلاحیت‌دار در طرف مقابل و از طریق اعلان عمومی شرط دیگر است؛

چهار. از دیگر شروط مورد اشاره در این بخش تفاوت قائل شدن میان رهبران سیاسی و نظامی و نیز جنگجویان و غیرنظامیان در خصوص اعمال تنبیهات احتمالی پس از پایان جنگ است؛

پنج. و سرانجام، متناسب بودن شروط تسلیم شدن با حقوق اولیه هر دولت و کشوری و عدم تلاش برای منکر شدن حقوق ابتدایی کشور تسلیم‌شده و قبول حق آن برای مشارکت در جامعه بین‌المللی از دیگر موارد مورد استناد در پایان دادن به جنگها بر اساس نظریه جنگ عادلانه است (Orand, 2000).

### ۳. صلح خدایی و آتش‌بس خدایی

گرچه بسیاری از محققان و نویسندگان صلح خدایی (peace of god (pax dei)) و آتش‌بس خدایی (truce of god (treuga dei)) را اجزای یک مفهوم واحد می‌دانند، برخی دیگر از مورخان قائل به نوعی تمایز میان این دو می‌باشند. در خصوص تمایز میان صلح خدایی و آتش‌بس خدایی برخی از صاحب‌نظران آتش‌بس خدایی را ناظر بر نوعی محدود کردن قلمرو زمانی جنگها می‌دانند و عنصر زمان را محور اصلی آن ذکر می‌کنند. به عقیده این گروه آتش‌بس خدایی عبارت بود از تعیین زمانها و روزهای مشخصی از سال که توسل به خشونت و آغاز جنگ در آن ایام جایز نبود. در حالی که اصول صلح خدایی ناظر بر رعایت موازین خاصی در هنگام جنگ است. سابقه تاریخی ایده صلح خدایی به اروپای قرون وسطی بر می‌گردد.

از سالهای پایانی هزاره نخست و به طور مشخص از سال ۹۸۹م. کلیسای کاتولیک ایده صلح خدایی را به عنوان یک راهکار برای محدود کردن دامنه جنگها در میان جوامع مسیحی در اروپا ترویج کرد (Chesterman, 2001).

این ایده کم‌کم به عنوان یک سنت در بین بسیاری از جوامع اروپایی پذیرفته شد و تا قرن سیزدهم میلادی ادامه یافت. بر اساس بخشی از موازین و اصول صلح خدایی،

در صورت وقوع جنگ، بخشهایی از جامعه و مردم که قدرت دفاع از خود را نداشتند، از مصونیت برخوردار بودند و نایست مورد هجوم و تعرض اطراف درگیر در جنگ قرار می‌گرفتند. این افراد شامل کودکان، زنان، روحانیان، زائران و کسبه می‌گردیدند. بر اساس بخش دیگری از این قوانین، حیوانات اهلی ساکن در مزارع نیز شامل مصونیت می‌شدند. بعدها پاره‌ای از امکان از قبیل کلیساها، صومعه‌ها، خانه‌های مسکونی و حتی مراکز تجاری نیز در این لیست جای گرفتند. این ایده نیز به طور فراگیر در قرون دهم تا سیزدهم میلادی در میان جوامع اروپایی پذیرفته شد و اجرا شد. بسیاری از مورخان پاپ ژان پانزدهم را مبدع و مروج اصلی این ایده در سال ۹۵۸م. می‌دانند (Thatcher & Holmes, 1905, pp.417-418).

#### ۴. اسلام و جنگ مشروع

در اسلام، یکی از شروط اساسی برای جنگ و مشروعیت آن، برای کسب رضایت خداوند است که از آن با عنوان «جهاد فی سبیل الله» و یا «قتال فی سبیل الله» یاد می‌شود.

بر این اساس، از دیدگاه اسلام بر خلاف سایر مکاتب بشری جنگهایی که برای اهداف غیرالهی از جمله کشورگشایی، مداخله نظامی و سلطه‌طلبی و یا در پاسخ به هوسها و غرائز نفسانی از قبیل ریاست‌طلبی شروع شوند، هیچ‌گاه جنگ مشروع تلقی نمی‌شوند. آیات ذیل در زمره آیاتی قرار دارند که در آنها به نوعی به اصل جهاد فی سبیل الله اشاره شده است:

- آیات ۴۱ و ۱۱۱ سوره توبه<sup>۲</sup>

- آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ از سوره بقره<sup>۳</sup>

- و آیات ۴ و ۱۱ از سوره صف<sup>۴</sup>.

تا آنجا که در خصوص جنگ عادلانه در سطح اول یا مرحله آغاز جنگ مربوط می‌شود، نخستین سؤالی که در مبحث دیدگاه اسلام در مورد جنگ مشروع یا عادلانه و ارتباط آن با مداخله بشردوستانه مطرح می‌شود، این است که آیا یک چنین رویکردی در اسلام مطرح شده است یا خیر. طرفداران بحث مداخله بشردوستانه در اسلام چنین

استدلال می‌کنند که بر اساس آیات و روایات و نیز بر اساس سنت پیامبر (ص) و عملکرد خلفای راشدین، مداخله بشردوستانه و سنت جنگ عادلانه با شروط و مقدماتی در اسلام مطرح و به آن عمل شده است. این عده اسلام و احکام اسلامی را پیشگام ایده‌ای می‌دانند که پس از قرن‌ها در اروپا و دنیای مسیحیت با عناوینی همچون جنگ عادلانه و صلح‌خدایی مطرح شد (Boisard, 1979, p.245).

اصولاً اگر ما یکی از اهداف اساسی جهاد در راه خدا را برخورد با طاغوتیان، ستمکاران، مستکبران و رهایی مظلومان و مستضعفان از ظلم و ستم آنها بدانیم، این هدف به خودی خود می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق اصل مداخله بشردوستانه تلقی شود. حدیث نبوی مشهوری که در آن نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «هر کس که ندای مظلومی را بشنود که مسلمانان را به کمک خود فرا می‌خواند و بدان بی‌اعتنا باشد، مسلمان نیست»؛ مصداق دیگر این مدعاست (شیخ طوسی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۵).

آیه هفتاد و پنجم سوره نساء آنجا که می‌فرماید: «وما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المتضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها»، مصداق دیگری بر این اصل است. برخی از حقوقدانان درخواست کمک و معاونت توسط اتباع مظلوم و تحت ستم کشور خارجی را نیز در زمره شروط جواز توسل به جنگ رهایی‌بخش می‌دانند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۶).

در هر صورت علاوه بر اصول کلی پیشین، در مقایسه شروط توسل به جنگ در نظریه جنگ عادلانه در مسیحیت و جنگ مشروع در اسلام می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. همان‌گونه که در نظریه جنگ عادلانه مطرح شده است، هدف مشروع و نیت خیر و خدایی (فی سبیل الله) از جمله شروط اساسی برای مشروعیت توسل به جنگ در اسلام است.

ب. وجود دلیل یا دلایلی مشروع برای تجویز توسل به جنگ نیز از شرایط اساسی جنگ مشروع در اسلام به شمار می‌رود. بسط و گسترش عدالت، ترویج اسلام، دفاع از حریم مسلمانان و پاسخ به فریاد کمک‌خواهی مظلومان و مستضعفان در زمره مهم‌ترین این دلایل به شمار می‌روند.



ج. سومین شرط مشروع بودن جنگ در اسلام، آغاز آن و هدایت آن توسط یک مرجع صالح و دولت مشروع است. در این راستا بنا به نظر اغلب صاحب‌نظران فقه شیعه، جنگ ابتدایی تنها در سایه رهبری پیامبر(ص) و یا امام معصوم(ع) می‌تواند صورت پذیرد (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۱۱)؛ در فقه عامه این امر در صلاحیت رئیس دولت اسلامی یا ولی امر مسلمین به عنوان مصداق «اولی الامر» نیز است (خردوری، ۱۳۳۵، ص ۱۰۲).

د. در خصوص نظر اسلام در باره شرط چهارم، یعنی احتمال موفقیت در جنگ آن گونه که در نظریه جنگ عادلانه مطرح شده است، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ برخی از صاحب‌نظران که پیرو قاعده تکلیف هستند، با استناد به اینکه مسلمانان مأمور به تکلیف هستند و نه نتیجه، چنین اظهار می‌دارند که صرف نظر از اینکه نتیجه جنگ پیروزی یا شکست باشد، اگر چنانچه دیگر شرایط لزوم و وجوب ورود به جنگ مهیا باشد، توسل به جنگ مشروع است. این دسته از صاحب‌نظران موارد مشخصی از حوادث تاریخ اسلام از جمله قیام امام حسین(ع) علیه یزید را مصداق این مورد می‌دانند که در آن امام(ع) علی‌رغم وقوف و علم به نتیجه جنگ، تن به کارزار داد.

در مقابل این نظریه، دسته دیگری از صاحب‌نظران این مثال را یک استثناء تلقی کرده‌اند که به هیچ وجه نمی‌توان آن را تعمیم داد. این عده با استناد به آیات و روایاتی از جمله آیه ۱۹۵ سوره بقره که می‌فرماید: «ولا تلقوا بائدیکم الی التهلکه...»، چنین استدلال می‌کنند که بر عدم پیروزی و کامیابی در آن یقین دارند (صالح‌الظالمی، ۱۳۵۹، ص ۳۰). برخی دیگر از متفکران، نظیر شهید مطهری، نظریه جهاد و توسل به جنگ را در تعریف «تجاوز دشمن» عنوان کرده، چنین استدلال می‌کنند که تجاوز مفهومی عام است و منحصر به تجاوز به ناموس، به مال و یا به سرزمین نمی‌شود بلکه مواردی چون «تجاوز به استقلال»، «تجاوز به آزادی» و حتی «تجاوز به ارزشها» را نیز در بر می‌گیرد که در پاسخ به آن می‌توان به جنگ توسل جست (مطهری، ۱۳۵۰، ص ۲۲).

در خصوص شروطی نظیر اصل تناسب و نیز اصل توسل به جنگ به عنوان آخرین راه حل پیش رو نیز چنین به نظر می‌رسد که این دو اصل به دلیل سازگاری منطقی درونی حاکم بر آنها با حکمت و فلسفه جنگ در اسلام با شروط جنگ مشروع

در اسلام قابل جمع است؛ برای مثال، در خصوص اصل توسل به جنگ به عنوان آخرین راه حل، دست‌کم تا آنجا که به جنگ میان جوامع اسلامی مربوط می‌شود می‌توان به آیه ۹ سوره حجرات اشاره کرد، آنجا که می‌فرماید: «وان طائفان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی...». در خصوص دیدگاه اسلام در باره شروط جنگ مشروع و عادلانه در مرحله وقوع جنگ باید به نکات ذیل اشاره کرد:

الف. در حقوق اسلامی اصل تمایز و تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان در زمان جنگ یک رکن اساسی محسوب می‌شود که در تطابق آشکار با این اصل نظیر خود در نظریه جنگ عادلانه است. در این خصوص تأکیدات و دستورات بسیاری که در آیات و روایات بر چگونگی رفتار با زنان، کودکان، پیرزنان و پیرمردان در زمان جنگ شده است که قابل تأمل است؛ آیه‌های ۱۹۰ از سوره بقره، ۵۵ از سوره اعراف، ۸۷ از سوره مائده و ۱۱۲ از سوره هود که در آنها خداوند مسلمانان را از تعدی، تجاوز و طغیان و فرار رفتن از احکام الهی منع می‌کند.

علامه طباطبایی، صاحب «المیزان»، در تفسیر خود ذیل آیه ۱۹۰ بقره آنجا که می‌فرماید: «... وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین»، چنین نظر می‌دهد که از این آیه چنین استنباط می‌شود که در جهاد مشروع نباید از حدود معینی تجاوز کرد و به طور مشخص به این نکته اشاره دارد که بر اساس این آیه، اعتداء شامل هر عملی که این مفهوم بر آن منطبق گردد، مانند آغاز کردن جنگ، کشتن زنان و کودکان، و دست‌نکشیدن از جنگ در صورت دست‌کشیدن دشمن می‌شود؛ لذا باید حقوق و احوال زنان و کودکان را مراعات کرد و نباید ایشان را به قتل رساند (طباطبایی، ۱۳۴۶، ص ۸۳).

سیره و سنت نبوی در کنار اخبار و روایاتی که از ائمه معصوم (ع) و نیز خلفای راشدین در خصوص آیین و احکام جنگ وارد شده است، همگی حکایت از این اصل مهم در اسلام دارد که در آیین الهی اسلام تأکید خاصی بر چگونگی هدایت امر جنگ و چگونگی تعامل سپاه اسلام با دشمن صورت گرفته است. در «اصول کافی» روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌شود که در آن افراد سپاه اسلام از منته کردن کشتگان سپاه دشمن

و نیز از به قتل رساندن زنان، پیرمردان فرتوت و نیز افراد معلول (کور و کر) نهی شده‌اند. در این حدیث قطع درختان نیز تا حد امکان در جنگها ممنوع شده است (شهابی، ۱۳۵۷، ص ۲۱۴).

صاحب «تاریخ طبری» نیز در فرازی به یکی از رخدادهای صور اسلام به فرمانی از ابوبکر اشاره می‌کند که خلیفه اول در طی آن فرمان از سپاهیان اسلامی می‌خواهد که از کشتن زنان، خردسالان و پیرمردان فرتوت اجتناب کنند و درختان خرما و درختان میوه‌دار را قطع نکنند، نسوزانند، از کشتار دامها جز برای رفع گرسنگی پرهیز کنند و صومعه‌نشینان را نیز به حال خود بگذارند (طبری، ۱۳۵۲، ص ۱۳۵۳).

امیرالمؤمنین علی(ع) در فرازهای متعددی از «نهج‌البلاغه» به آداب و احکام چگونه جنگیدن اشاره داشته و سپاهیان اسلام را به احترام و رعایت این آداب سفارش و ترغیب کرده‌اند. ایشان در یکی از نامه‌های «نهج‌البلاغه» در این خصوص چنین می‌فرمایند: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت می‌کند، نکشید؛ و افراد بی‌دفاع را آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید؛ زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند»<sup>۵</sup> (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵).

در باب عدم جواز کشتار آن دسته از نظامیان دشمن، که با اجبار و اکراه به صحنه کارزار کشانده شده‌اند، نیز احادیث و اخبار متواتری از جنگهای صدر اسلام نقل شده است؛ بر اساس یکی از احادیث در جنگ بدر پیامبر اسلام(ص) افراد سپاه خود را از کشتن حارث بن عامر بن نوفل نهی فرموده بود؛ زیرا که او را از کسانی می‌دانست که مجبورش ساخته بودند که به جنگ بیاید (واقعی، ۱۳۶۱، ص ۶۰).

عدم جواز محاصره اقتصادی شهرها از دیگر موارد مهم در تاریخ جنگهای صدر اسلام است؛ دستور پیامبر(ص) به لغو حصر اقتصادی مکه و ارسال آذوقه به مردم این شهر، که قبل از فتح مکه به دست سپاهیان اسلام رخ داد، از مصادیق این اصل است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۱).

عدم جواز به کارگیری سموم و مواد شیمیایی زیانبار علیه دشمن و نیز دستور به عدم تعرض به کلیساها و معابد دشمنان از جمله دیگر موارد گفتنی در حقوق جنگ از دیدگاه اسلام است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۲).

چگونگی رفتار با اسرای جنگی در سنت امان دادن در جنگها از جمله موارد دیگری به شمار می روند که در مباحث حقوقی اسلام جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده و در زمره اشتراکات رویکرد اسلام در خصوص حقوق جنگ با اصول ایده جنگ عادلانه و در چارچوب نظریه حقوق بشردوستانه قابل بررسی است. اعطای امان به لشکریان دشمن که بسته به شرایط مندرج در احکام آنچه توسط رئیس دولت اسلامی و چه توسط سایر لشکریان در هر رده‌ای صورت می‌پذیرد، همواره در طول تاریخ جنگهای صدر اسلام اعمال می‌شده و حتی تبلیغ و ترویج نیز گردیده است. یکی از آیات قرآن که در آن مسلمانان به حسن سلوک با اسیران جنگی توصیه شده‌اند، آیه ۷۰ سوره انفال است که می‌فرماید: «...یا ایها النبی قل لمن فی الاسری ان یعلم الله فی قلبکم خیراً یؤتکم خیراً مما اخذ منکم...»؛ آیه هشتم سوره دهر نیز آنجا که می‌فرماید: «ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیمأ و اسیراً...» نیز می‌تواند نمایانگر شمای دیگری از چگونگی تعامل و رفتار با اسرا توسط مسلمانان باشد. جدای از آیات و روایاتی که همگی بر رفتار حسنه و نیک با اسرای جنگی دلالت دارند، تاریخ جنگها و غزوه‌های صدر اسلام و عملکرد سپاه اسلام نیز مؤید این نظریه هستند.

در یک روایت تاریخی از جنگ بدر آورده‌اند که در روز آخر جنگ هنگامی که تعدادی از اسرای دشمن را برای تعیین تکلیف خدمت پیامبر آوردند، ایشان دستور دادند تا آن را میان اصحاب و خیمه‌های آنها جای دهند، به آنها احترام گذارده و از آنان پذیرایی انسانی کنند (طه حسین، ۱۳۳۹، ص ۲۵۲). در جریان غزوه ذات‌الرقاع نیز نقل شده است که پس از شکست دشمن پیامبر(ص) به سپاهیان اسلام دستور دادند تا با اسیران جنگی به ملایمت و نیکی رفتار شود و آنها را تازیانه نزنند و دستهایشان را نبندند. در هر صورت، با توجه به سیره و سنت پیامبر(ص) و با عنایت به احادیث و روایات واردشده، رفتار انسانی و محترمانه با اسرای جنگی به عنوان یک اصل مسلم در اسلام مورد پذیرش و اذعان همه فرقه‌های اسلامی است.<sup>۶</sup>

و سرانجام، در خصوص سومین مرحله سومین حوزه از ایده جنگ عادلانه که ناظر بر شرایط و چگونگی پایان دادن به جنگ‌هاست، موارد تشابهی میان احکام وارد شده و در حقوق اسلامی و اصول جنگ عادلانه مشاهده می‌شود. در فقه اسلامی رئیس حکومت اسلامی در مواردی که مصالح جامعه اسلامی اقتضاء کند، می‌تواند و باید اقدام به ترک مخاصمه کند و پیشنهاد ترک مخاصمه از موارد دشمن را بپذیرد. یکی از شروط اساسی در چنین حالتی حصول اطمینان از این امر است که دشمن قصد حمله و فریب را ندارد و در صدد حمله مجدد به مرزهای جامعه اسلامی نیست. حضرت علی (ع) در این خصوص در «نهج البلاغه» چنین می‌فرماید: هیچ نوع صلح و قرارداد همزیستی را که دشمن تو را بدان فراخواند و رضای پروردگار در آن باشد، رد نکن؛ زیرا در زمان صلح است که ارتش و نیروهای نظامی تو آمادگی و تقویت بیشتری خواهند یافت و تو نیز از نگرانیها و اندوههای آسایش خواهی داشت و کشورت در امنیت به سر خواهد برد. در خصوص شرایط جنگ عادلانه در مرحله سوم یا مرحله پایان یافتن جنگ و نگرش حقوق اسلامی نسبت به آن دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. برخی بر این باورند که در صورت تسلیم دشمن و ترک جنگ توسط او، اگر چنانچه در نیت و اهداف وی سوءظن و تردیدی وجود نداشته باشد، ادامه دادن جنگ مشروعیت نخواهد داشت (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۲).

### جمع بندی

قوانین و مقررات دین مبین اسلام و احکام منور آن در بسیاری مواضع با موارد مطرح شده در ایده جنگ عادلانه در مسیحیت و با اصول این نظریه همسویی و اشتراک نظر داشته، در برخی از موارد از این اصول مشترک نیز فراتر رفته و خود مبدع تعالیم، احکام و سنتهای جدیدی در راستای نظریه حقوق بشردوستانه شده است. تعالیم و سنتهایی که قرن‌ها بعد مورد استناد و عمل کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی قرار گرفته است.

مواد دهم، سی و پنجم، چهل و چهارم، پنجاه و یکم، پنجاه و چهارم، شصتم، یازدهم، هفتاد و پنجم، و هفتاد و هشتم مندرج در پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ژنو

مورخ ۱۶ اوت ۱۹۴۹م. در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مصوب ژوئن ۱۹۷۷م. به طور مستقیم در راستای اصول برخاسته از حقوق اسلامی است که در نظریه و عمل مورد تأیید آیین الهی اسلام بوده است.<sup>۷</sup> اندیشمندانی نظیر کریستوفر ویرمانتری بر این باورند که شواهد و اسناد بسیاری وجود دارد که مبین این واقعیت است که هوگو گروسوسوس، که وی را پدر علم حقوق بین‌الملل نام نهاده‌اند، تا حد زیادی در تدوین و تحریر مباحث مربوط به حقوق جنگ و صلح خود از مبانی حقوق اسلامی در این خصوص بهره جسته است (Weeramantry, 1988, pp.149-185)

مونا فیکسدال، استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه اسلو، و دان اسمیت، پژوهشگر مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح اسلو، نیز در اثر مشترک خود با عنوان مداخله بشردوستانه و جنگ عادلانه به نقش حقوق اسلامی در شکل‌گیری و تکامل حقوق بشردوستانه اشاره می‌کنند (Fixdal & Dan, 1998).

## یادداشتها

۱. جان زیمس، استاد فلسفه مدرن در دانشگاه کاتولیک توکیو، در زمره این افراد است. برای آگاهی بیشتر از نظریات وی در این خصوص به یکی از مقالات وی در سایت پروژه آوالون دانشگاه ییل به آدرس ذیل مراجعه کنید:

<http://www.yale.edu/lawweb/avalon/abomb/mp25.htm>

۲. انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۱۱).

۳. وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ \* فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

- رَحِيمٌ... وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انتهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ \*
- الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعتدى عَلَيْكُمْ فاعْتدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعتدى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.
۴. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانًا مَرُوضًا.  
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.
۵. لا تقاتلوهم حتى يبدؤوكم، فاذا كانت الهزيمة باذن الله فلا تقتلوا مدبراً ولا تصيبوا معوراً ولا تجهزوا على جريح ولا تهيجوا النساء باذى وان شتمن اعراضكم....
۶. برای مطالعه بیشتر در خصوص احکام و قوانین اسلامی در مرحله وقوع جنگ و مقایسه آن با حقوق بین‌الملل رک. Al-Zuhili, 2005, Volume 87, pp.269-283.
۷. برای مطالعه بیشتر در خصوص قراردادهای چارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن رک. آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران. تهران: ۱۳۸۱.

### کتابنامه

- نهج البلاغه (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. مشهد: منشور وحی.
- خدوری، مجید (۱۳۳۵). جنگ و صلح در اسلام. ترجمه غلامرضا سعیدی. تهران: اقبال.
- شهابی، محمود (۱۳۵۷). ادوار فقه. جلد اول. تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ طوسی (۱۴۰۱ق). تهذیب الاحکام. جلد ششم. بیروت.
- صالح‌الظالمی، محمد (۱۳۵۹). فقه سیاسی در اسلام. ترجمه رضا رجب‌زاده. تهران: پیام آزادی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۵). اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۶). تفسیر المیزان. جلد سوم. ترجمه محمدتقی مصباح یزدی. قم: دارالعلم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). تاریخ طبری. جلد چهارم. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- طه حسین (۱۳۳۹). **آیینة اسلام**. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: شرکت انتشار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۰). **جهاد**. تهران: صدرا.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). **جواهر الکلام**. جلد بیست و یکم. بیروت.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۱). **مغازی** (تاریخ جنگهای پیامبر). جلد دوم. ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  
- Al-Zuhili, Wahbeh (2005). "Islam and International Law". **International Review of the Red Cross (IRRC)**, Volume 87 Number 858, pp.269-283
- Boisard, M (1979). *Humanisme de L Islam*, Paris.
- Chesterman, Simon (2001). **Just War Or Just Peace? Humanitarian Intervention and International Law**. Oxford: Oxford University Press.
- Fixdal, Mona. And Smith, Dan (1998). "Humanitarian Intervention and Just War". **Mershon International Studies Review** 42, 283-312.
- Falk, Richard (2001). **Defining a Just War**. The Nation
- Kolb, Robert (1997). "Origin of the Twin Terms jus ad bellum and jus in bello". **International Review of the Red Cross (IRRC)**, no 320, p.553-562.
- Orend, Brian (2000), **War and International Justice: A Kantian Perspective**. Canada, Wilfrid Laurier University Press .
- Siemes, John A (2006). **The Avalon Project : The Atomic Bombings of Hiroshima and Nagasaki**. retrieved at <http://www.yale.edu/lawweb/avalon/abomb/mp25.htm>
- Thatcher, Oliver J and Holmes, Edgar McNeal, (eds.) (1905). **A Source Book for Medieval History**. New York: Scribners.
- Viotti, P. and M. Kauppi (eds.) (1987). **International Relations Theory**. New York: Macmillan Publishing Company.
- Weeramantry, Christopher G. (2002). "Islamic Jurisprudence: An International Perspective, Macmillan, Houndmills". 1988, pp. 149-158. Cited in: Cockayne, James. **Islam and international humanitarian law: From a clash to a conversation between Civilizations**. International Review of the Red Cross (IRRC), September Vol. 84 No 847 pp. 597-626.